

ما معتقدیم که حکم حکومتی با حکم قاضی در لب و مغز یکی هستند ولی حکم قضائی در زمینه فصل خصومت یا شبه فصل خصومت می آید مثل باب حدود و حکم حکومتی در زمینه فصل خصومت یا شبه آن نیست مثل اینکه فقیه اعلام می کند که هلال ماه رؤیت شده است. لذا حکم حاکم در حدود که مثلاً سلمان رشد مرتد است و باید اعدام شود حکم قضائی است. البته مرزبندی بین حکم حکومتی و قضائی ثمره ای ندارد چون هر دو لزوم متابعت دارد.

حکم ولائی

ما احکامی داریم که از طرف افرادی صادر شده که شرع مطهر به آن ها اذن فرمان داده است مثل امر والد به فرزند و امر زوج به زوجه در موارد مجاز. این احکام غیر الهی است ولی شارع اجازه داده یعنی خداوند به حکم اولی الهی این اذن را برای این افراد جعل کرده است. این افراد صاحب ولایت هستند اما نه حاکم هستند و نه قاضی لذا ما به این قسم حکم ولائی می گوئیم یعنی حکمی که از جهت ولایت داشتن فرمان دهنده صادر شده است.

این حکم غیر الهی است چون امر والد به فرزند از سوی پدر است نه از سوی خداوند و نقش خداوند در اینجا این است که فرموده اگر پدر دستوری داد که مخالفت فرامین من نبود بر شما لازم است که اطاعت کنید.

نکته: درباره عدول مومنین که ولایت دارند به عنوان اینکه این افراد در تدبیر امور جامعه دخالت می کنند مثلاً هنگام زلزله نمی تواند مرتب از حاکم حکم گرفت و حاکم یا در دسترس نیست یا اشراف ندارد که اینجا عدول مومنین عهده دار کارهای این حادثه می شوند و این افراد در برخی موارد دستوراتی صادر می کنند و تصرفاتی می کنند با این لحاظ این احکام صادره از عدول مومنین حکم حکومتی می شود و اگر این را نپذیرفتیم باید گفت حکم ولائی است چون این افراد در تدبیر برخی امور ولایت دارند.

نکته: خیلی وقت ها فتاوی اجتماعی فقیه در یک وضعیت خاصی که قرار می گیرد به آن حکم حکومتی اطلاق می شود در حالیکه طبق آنچه ما از کلمات بزرگان از هزار سال قبل تا کنون برداشت کرده ایم، فتوای اجتماعی با حکم حکومتی متفاوت است و نباید این دو با هم خلط شوند. برای دقت بیشتر در این مطلب باید متون فقها بررسی شود و به کتاب فقه و مصلحت مراجعه شود.

خلاصه بحث: حکم به الهی و غیر الهی تقسیم شد و حکم غیر الهی به حکم حکومتی و قضائی و ولائی تقسیم می شود. حکم قضائی غیر الهی است چون قاضی آن را در یک قضیه جزئی صادر می کند اما در چارچوب شرع است و قضائی است چون در مسیر فصل خصومت یا شبه فصل خصومت است/ حکم ولائی احکام صادره از کسانی است که از طرف خداوند در صدور فرمان مأذون هستند و غیر الهی است چون صادر کننده حکم خداوند نیست و ولائی است چون حکم کننده نسبت به کسی که حکم می کند ولایت دارد مانند امر والد بر فرزند.